

احتکار و احکام آن در فقه امامیه

محمد معین میرزایی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۹

چکیده:

در این پژوهش احتکار و احکام اندر فقه امامیه با هدف تبیین احکام احتکار و بیان ادله حکم آن به روش توصیفی نگاشته شده است چرا که احتکار اثرات نامطلوبی را بر جوامع بر جای خواهد گذاشت و سبب کمبود و بالا رفتن قیمت اجناس و عسر و حرج مسلمین برای تهیه مایحتاج خود خواهد شد بنابراین تشریح احتکار و احکام آن برای آگاهی افراد از این احکام و فهم حکم آن و دوری از اعمال آن در تجارت خود لازم و ضروری است و ضرورت ایجاب کرده تا موضوع فوق مورد بررسی قرار گیرد. از این رو در پژوهش پس از تعریف احتکار از نظر علما که حبس و نگهداری کالا به امید گران شدن است و حکم احتکار یعنی حرمت یا کراهت آن، ادله حرمت یا کراهت از منظر آیات و روایات بیان شده است و سپس حکم شخص محتکر که آیا میتوان حکم به فروش اقلام مورد احتکار را داد یا خیر؟ و گستره احتکار که شامل چه اقلام و اجناسی می باشد و شرایط احتکار و سپس احتکار در قانون مجازات اسلامی تشریح شده است. کلیدواژگان: احتکار، احکام، فقه امامیه.

^۳ دانش پژوه سطح ۳ حقوق خصوصی مدرسه عالی قضاوت، سطح ۳ فقه و اصول.

مقدمه :

امروزه تورم سبب افزایش روز افزون نرخ کالا و اجناس شده است و همین امر موجب شده تا عده‌ای کالاهایی را خریداری کنند و در زمان افزایش قیمت با هدف کسب سود بیشتر بفروشند که عمل چنین افرادی سبب کمیاب شدن کالا در بازار خواهد شد این عمل را احتکار می‌نامند. در واقع احتکار خرید و نگهداری اجناس در زمان کمیاب شدن برای کسب سود بیشتر است. احتکار به زمان کنونی محدود نمی‌شود بلکه در زمان پیامبر و ائمه اطهار نیز وجود داشته به همین دلیل در روایات و آیاتی از قرآن کریم از این عمل و عواقب و احکام آن سخن گفته‌اند. بسیاری از افراد که اقدام به احتکار می‌نمایند و محترک کالا به شمار می‌روند از احکام احتکار آگاه نبوده و عدم اطلاع و غفلت سبب اقدام به احتکار می‌گردد که عواقب سوئی را بر جامعه خواهد داشت لذا بررسی احتکار و احکام آن در فقه امامیه لازم و ضروری است و نبود پژوهشی جامع در این باره اهمیت موضوع را دو چندان کرده است اگرچه آثار مشابهی در این زمینه وجود دارد که می‌تواند مبنای تحقیق قرار گیرد از جمله :

۱- سید کاظم حسینی حائری مقاله‌ای را با عنوان (احتکار) در نشریه فقه اهل بیت به چاپ رسانده‌اند. وی در اثر خود به بررسی ادله موافقین و مخالفین حرمت احتکار می‌پردازد. اما در مقاله پیش رو پس از بیان حکم احتکار، ادله حرمت را بیان می‌دارد و تحلیل ادله صورت نگرفته که وجه تمایز با اثر اوست.

۲- سمیرا جوادی و فاطمه قربانی مقاله‌ای را با عنوان امنیت غذایی و احتکار از منظر قرآن در سال ۱۴۰۰ تألیف نموده‌اند. در این مقاله به بررسی احتکار در قرآن کریم پرداخته شده که وجه تمایز با پژوهش پیش رو در بررسی ادله حرمت احتکار از منظر قرآن و روایات است.

۳- حسین و علیرضانامی مقاله ای را با عنوان احتکار، شرایط اثبات و مصادیق آن نوشته اند. که در سال ۱۴۰۰ در مجله اندیشه حقوقی به چاپ رسیده است. در این اثر بیشتر به مصادیق احتکار پرداخته شده است که وجه تمایز یا پژوهش حاضر در بیان حکم و ادله احتکار است.

۴- مجتبی مصلح در سال ۱۳۹۹ مقاله ای را با عنوان گستره احتکار در فقه امامیه در مجله فقهانه به چاپ می رساند. در این مقاله به بیان پنج نظریه درباره گسترده و محدوده اقلام قابل احتکار می پردازد در حالی که پژوهش پیش رو ادله و حکم احتکار را مورد بررسی قرار داده است.

همانطور که ملاحظه شد در هیچ یک از آثار مذکور و سایر آثار موجود به نحو جامع به بررسی احتکار و احکام آن در فقه امامیه پرداخته نشده است لذا این پژوهش اثری متمایز به شمار می آید که در پژوهش تعریف احتکار و احکام آن و ادله احکام، حکم شخص محکوم و گستره احتکار و شرایط احتکار و حکم احتکار در قانون مجازات اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است.

(۱) مفهوم شناسی

(۱-۱) احتکار

احتکار از ریشه (ح ک ر) از باب افتعال می باشد در لغت به معنی ظلم، سوء برداشت و عسر است و به معنای نگهداری مال به امید بالا رفتن قیمت است (ادِّخَارُ الطَّعَامِ لِلتَّرْبِصِ) (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ ق، ج ۴، ص ۲۰۸).

شیخ انصاری در تعریف احتکار بیان میدارد: جمع آوری و نگهداری طعام تا بالا رفتن قیمت آن است. (انصاری، المکاسب، ۱۴۲۰ ق، ج ۴، ص ۳۶۳)

البته لازم به ذکر است که اگر شخصی مقداری از مواد غذایی و طعام برای مصرف خود و خانواده نگهداری کند احتکار به شمار نمی آید (فقهی، احتکار با رویکردی به آرای امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰ ش، ج ۱، ص ۱۹۶) همانطور که امام خمینی میفرماید: «ولو حبسه فی زمان الغلاء

لصرفه فی حوائجه لا للبيع فلا حرمة فيه ولا كراهة؛» اگر در زمان گرانی برای صرف نمودن در نیازهای خود - نه برای فروش - مال یا طعامی را را حبس نماید نه حرام است و نه مکروه.» (خمینی، تحریر الوسیله، ۱۳۷۳ ش، ج ۱، ص ۵۳۴، مسئله ۲۳) و به کسی که اموال را به امید گران شدن نگهداری کند محکوم می‌گویند.

۱-۲) احکام

احکام: احکام از ریشه (ح ک م) جمع حکم و به معنای منع نمودن و باز داشتن است. (سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۹۵)

احکام در اصطلاح در واقع به معنای اثبات امری بر امر دیگر یا نفی شی از شی دیگر است. در واقع احکام قوانینی است که شارع برای مکلفین قرار داده. خواه احکام به طور مستقیم توسط شارع وضع شده باشد و خواه به واسطه عقل و عرف باشد و احکام گاهی ناظر به فعل مکلفین است و گاهی مربوط به مسائل اخلاقی و اعتقادی است. (جزایری، منتهی الدریه فی توضیح الکفایه، ۱۳۷۰ ش، ج ۴، ص ۲۲۳).

۱-۳) فقه

فقه در لغت به معنای فهمیدن (جوهری، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۲۴۳) درک کردن و دانستن (فیروز آبادی، القاموس المحيط، ۱۴۱۲ ق، ج ۴، ص ۲۸۹) است. البته برخی معتقدند که فقه به معنای مطلق فهمیدن و دانستن نیست بلکه به معنای ادراک دقیق همراه با استنتاج و تعقل است همانطور که میفرماید: «هُوَ إِدْرَاكُ أَمْرٍ عَنِ التَّعْقُلِ، فَالْفَهْمُ هُوَ الْأِسْتِنْتَاكُ الْعِلْمِيَّ» (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۲۳۶)

در تعریف دقیق تر آمده است: علم به احکام شرعی که از طریق ادله تفصیلیه به دست می‌آید.

فقه در اصطلاح مجموعه ای از قوانین، دستورات و امر و نهی هایی است که فقیه، از منابع و ادله تفصیلی آن استنباط می کند و موضع عملی بندگان را در برابر خالق رقم می زند و به او می آموزد که چه عکس العملی در مقابل مولای حقیقی اش داشته باشد.

۲) حکم احتکار:

در باره حکم احتکار که احتکار حرام است یا جایز میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. اکثر فقها معتقدند در صورتی که فردی کالایی را را به امید گران شدن ذخیره کند و آن کالا به اندازه کافی در بازار وجود نداشته باشد و این ذخیره و نگهداری موجب کمیاب شدن کالا و ضرر به بازار مسلمین شود را حرام می دانند. از جمله کسانی که احتکار را حرام میدانند محقق داماد است. (محقق داماد، تحلیل و بررسی احتکار از نظر فقه اسلام، ۱۳۶۲ ش، ج ۶، ص ۶۴۲). در جواهر کلام آمده است: احتکار اگر به قصد اضرار به مسلمانان و یا موجب اختلال در نظام زندگی اجتماعی آنان شود حرام است (نجفی، جواهر الکلام، ۱۳۹۲ ش، ج ۲۲، ص ۴۸۰). اما شهید اول احتکار را مکروه میدانند (شهید اول، اللمعه الدمشقیه، ۱۴۱۱ ق، ص ۱۰۴). البته کراهت احتکار منوط به آن است که نیاز شدید به کالای مورد احتکار نباشد.

کسانی که قائل به حرمت احتکار هستند برای حرمت احتکار به دلایلی استناد کرده اند که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱-۲) آیات حرمت احتکار

فقها برای اثبات حرمت احتکار به آیاتی از قرآن کریم استناد نموده اند که در ذیل به برخی از آنها اشاره شده است:

۱- اولین آیه ای که فقها به آن استناد کرده اند آیه ۳۹ سوره نساء است که خداوند متعال میفرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ» (نساء/۳۹)

عبارت "لا تاكلوا اموالكم بالباطل" بر استفاده و به کارگیری مال در حالی که خداوند متعال و نهی شرع کرده دلالت دارد مانند به کارگیری مال در راه ربا و رشوه، قمار و احتکار (صالح، احتکار یا خیانت به جامعه، ۱۳۵۴ ش، ج ۱، ص ۱۳۶).

البته برخی از فقها استناد به این آیه را برای اثبات احتکار خالی از اشکال نمی دانند که در پژوهش مجال بیان ایرادات وجود ندارد.

۲- آیه دیگر که فقها برای اثبات حرمت احتکار به آن استناد کرده اند آیه اول و دوم سوره همزه است که خداوند متعال میفرماید: «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ الَّتِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ»؛ «وای بر نکوهشگر عیب جو که اموالی را جمع کرده و می شمارد.» (همزه ۱-۲)

مفسرین آیه فوق را مربوط به ثروت اندوزانی میدانند که اموال خود را احتکار کرده و این افزایش مال سبب خود بر تر بینی و طعنه به دیگران می شود. (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۷ ش، ج ۱۰، ص ۵۹۴)

و برخی نیز واژه وعدد را به معنای اندوختن و ذخیره مال میدانند (قرشی، تفسیر احسن الحدیث، ۱۳۶۴ ش، ج ۱۲، ص ۳۵۰)

لذا ایه فوق دلیلی برای اثبات حرمت احتکار می باشد که مورد نهی و مذمت خداوند متعال است.

۳- سومین ایه مورد استناد برای حرمت احتکار آیه اول و دوم سوره مبارکه تکاثر است که خداوند متعال در مذمت و نکوهش ثروت اندوزان میفرماید: «الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ»؛ «شما را ثروت اندوزی و اندوختن اموال مشغول گردانده تا اینکه قبرها را زیارت کنید.» (تکاثر ۱/۲)

اگرچه ایه فوق به صراحت به احتکار اشاره نداشته است اما باید دانست که احتکار نیز نوعی جمع آوری ثروت و اندوخته ها می باشد. لذا از منظر برخی از مفسرین آیات فوق بر حرمت احتکار دلالت دارند. (حسینی شاه عبد العظیمی، تفسیر اثنی عشری، ۱۳۶۳ ش، ج ۱۴، ص ۳۲۹)

۲-۲) روایات حرمت احتکار

فقها برای اثبات حرمت احتکار علاوه بر آیات قران کریم به روایاتی نیز استناد نموده اند که به شرح زیر است:

۱- امام علی علیه السلام در بیان حرمت احتکار می فرماید: «الجالب الی سوقنا کالمجاهد فی سبیل الله و المحتکر فی سوقنا کالملحد فی کتاب الله. الجالب مرزوق المحتکر ملعون» (پاینده، نهج الفصاحه، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ص ۲۷۸)؛ «کسی که به بازار مسلمین مالی را وارد می کند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد کرده است و کسی در بازار احتکار نماید، همانند کسی است که در کتاب خدا کافر به شمار می آید. وارد کننده مال به بازار مسلمانان روزی می خورد و محتکر مورد لعنت قرار میگیرد.»

در این روایت شخص محتکر هم ردیف با کافر دانسته شده است و کافر در واقع امر الهی را مورد امتناع قرار داده و شخص محتکر نیز از امر الهی سرپیچی کرده است و فعل حرام انجام داده و در نتیجه انجام فعل حرام بیانگر حرمت عمل است.

۳- در کلامی دیگر از امام علی علیه السلام آمده است که می فرماید: «من احتکر الطعام اربعین یوما ثم تصدق به لم تکن صدقته کفاره الاحتکار». (فیض کاشانی، محججه البیضا، ۱۴۱۷ ق، ج ۳، ص ۱۶۶)؛ «هر کس طعام مردم را چهل روز احتکار کند سپس آنرا صدقه دهد، نمیتواند کفاره احتکار او باشد.»

در اسلام صدقه دادن از جمله کارهایی است که ثواب بسیاری برای آن در نظر گرفته شده است، ولی گناه احتکار مایحتاج روزمره مردم، به قدری سنگین است که اگر محتکر تمام

اموال احتکار شده را در راه خدا صدقه بدهد و در بین مردم تقسیم نماید، باز هم کفاره آن نخواهد بود.

۴- در روایت دیگر رسول خدا (ص) فرموده اند: «لئن یلقى الله العبد سارقا احب الی من ان تلقاه قد احتکر طعاما اربعین یوما.»؛ «(پاینده، نهج الفصاحه، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ص ۲۱۷) اگر خداوند بنده‌ای را در حال سرقت ملاقات کند، در نزد من محبوب تر است از اینکه ملاقات کند او را در حالی که آذوقه مردم را چهل روز احتکار نماید.»

از این فرمایش حضرت بزرگی گناه احتکار مایحتاج مردم معلوم می‌شود. گناه آن بسیار سنگین تر از سرقت می‌باشد، زیرا اکثر سارقان به خاطر فقر و نداری، مجبور به سرقت می‌شوند، ولی انسان محتکر با داشتن اموال و دارایی‌های فراوان به چپاول دست می‌زند و شاید بشود گفت که احتکار باعث تورم گرانی شده و گرانی باعث فقر و فقر موجب سرقت می‌شود. بنابراین محتکر هم خود به چپاول اموال مردم می‌پردازد و هم به نحوی باعث سرقت دیگران می‌شود.

۵- مهم ترین دلیل برای اثبات حرمت احتکار روایت صحیح حناط است. که امام صادق درباره شغل او سوال میکند و او در پاسخ میگوید: گندم میفروشم اما در زمان کساد بازار کالای خود را نگه می‌دارم و نمی‌فروشم که مردم مرا محتکر مینامند

در ادامه امام از او می‌پرسد آیا بازم گندم در بازار موجود است؟ حناط می‌گوید: من به اندازه ناچیزی از بازار و یک هزارم بازار میفروشم. امام صادق (ع) فرمودند: «لَا بَأْسَ إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ رَجُلٍ مِنْ قُرَيْشٍ يُقَالُ لَهُ: حَكِيمٌ بْنُ حِرَامٍ وَكَانَ إِذَا دَخَلَ الطَّعَامُ الْمَدِينَةَ اشْتَرَاهُ كُلَّهُ فَمَرَّ عَلَيْهِ النَّبِيُّ (ص) فَقَالَ: يَا حَكِيمُ بْنُ حِرَامٍ إِيَّاكَ أَنْ تَحْتَكِرَ» (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۲۶ ق، ج ۱۷، ص ۴۲۸)

«ایراد ندارد، مردی در قریش بود که حکیم بن حزام به او می گفتند، هر زمان که گندم وارد شهر میشد او همه آن گندم ها را می خرید. روزی پیامبر (ص) بر او گذشت و فرمودند: ای حکیم بن حزام اجتناب کن از اینکه احتکار کنی.»

عبارت «ایاک آن تحتکر» از رسول خدا دلالت روشنی بر حرمت احتکار دارد. از این روایت میتوان استنباط کرد که احتکار حرام است.

۶- دومین دلیل حرمت احتکار میتوان به روایت از امام علی استناد کرد که می فرماید: «فَامْنَعُ مِنَ الْاِحْتِكَارِ فَاِنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنَعَ مِنْهُ، وَلَيَكُنَّ الْبَيْعُ يَمَّا سَمَحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَاَسْمَارٍ [وَأَسْعَا] إِلَّا تُجْحِفُ [لَا يَجْحَفُ] بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَا، فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَتَكُلُّ [بِهِ] وَعَاقِبَ [عَاقِبَهُ] فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ» (نهج البلاغه، ص ۳۷۷)؛ «از احتکار جلوگیری کن همان گونه که رسول خدا (ص) از آن جلوگیری می کرد زیرا معامله بیع باید معامله ای آسان و بر اساس موازین عدالت و قیمتی باشد که طرفین معامله یعنی بایع و مشتری ضرر نرسد پس هر که بعد از امر تو به ممنوعیت احتکار، انرا انجام دهد، او را بدون زیاده روی مجازات کن»

۷- در روایت دیگری رسول خدا (ص) می فرماید: «عن جبرئیل (ع) قال اطلعت فی النار فرایت و ادیا فی جهنم یغلی، فقلت: یا مالک لمن هذا؟ فقال: لثلاثه المحتکرین و ..» (بروجردی، جامع احادیث شیعه، ۱۴۲۲ ق، ج ۲۳، ص ۱۱۰) «جبرئیل (ع) گفت: به جهنم گذر کردم و در آن جایگاهی دیدم که بسیار وحشتناک و مخوف بود. پس به مالک آن گفتم: این جایگاه برای چه کسانی است؟ گفت: برای سه طایفه است که یکی از آنها احتکار کنندگان هستند.»

از این گفتار حضرت جایگاه اخروی چنین افرادی هم مشخص می شود و آن بدترین و وحشتناک ترین جای جهنم است.

۸- در روایت دیگر از امیر المومنین علی علیه السلام آمده است: «الاحتکار شیمه الفجار»؛ «احتکار خوی و خصلت گنهکاران است.» (آمدی، غرر الحکم، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ص ۶۰۷)

از آنجا که گناهکاران دارای صفات و خصلت‌های زشت و ناشایستی می‌باشند که از جمله آنها عمل احتکار و محروم نمودن مردم از نیازمندی‌های زندگی است، لذا امیر المومنین (ع) در این سخن خود به بیان این حقیقت پرداخته و مردم را متوجه آن ساخته است تا از انجام چنین عمل نکوهش شده‌ای دست بردارند. (صدر، احتکار از دیدگاه فقه و اقتصاد، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۹۷)

نکته قابل ذکر است که باید توجه داشت که احتکار همیشه حرام نیست گاهی مستحب و گاهی مکروه و در برخی موارد جایز است.

همانطور که گفته شد احتکار در صورت نیاز مردم حرام است اما در صورت عدم نیاز حلال می‌باشد. حرمت احتکار حکم اولیه آن به شمار می‌آید ولی گاهی با عناوین ثانوی، متصرف به حکم استحباب یا وجوب یا کراهت می‌شود؛ مثلاً گاهی حفظ جان انسان‌ها متوقف بر احتکار طعام در زمان رفاه است تا در هنگام قحطی و گرسنگی نمیرند. پس احتکار در دوره رفاه حلال است ولی به سبب توقف واجبی بر آن، واجب می‌شود. گاهی کسی در زمان عدم نیاز مردم طعامی را احتکار می‌کند، این احتکار به عنوان اولی حلال است ولی مقصود احتکار کننده این است که هرگاه زوار یا درماندگان آمدند به آنان کمک کند در این صورت احتکار مستحب خواهد بود. گاهی کسی در زمان عدم نیاز مردم طعامی را احتکار می‌کند، این احتکار به عنوان اولی حلال است، اما هدف احتکار کننده این است که مشتریانی را که می‌تواند طعام را با قیمتی بالاتر از قیمت بازار به آنها بفروشد، به چنگ آورد، در این صورت احتکار مکروه است.

۳) حکم شخص محتکر

بحث دیگر در مسئله احتکار حکم شخص محتکر است که آیا میتوان در صورت نیاز مردم به کالا شخص محتکر را مجبور به فروش کالا نمود یا خیر؟

در پاسخ باید گفت که اکثر فقها معتقدند که در صورت نیاز مردم به کالا و نبود کای دیگر در بازار که احتکار عملی حرام محسوب میشود باید شخص محکوم را مجبور به فروش کالا نمود حتی شیخ انصاری معتقد است که در صورت کراهت احتکار نیز میتوان حکم به اجبار محکوم برای فروش کالا کرد. ایشان برای ادعای خود به روایت صحیح حناط استناد میکند که در بالا ذکر شد.

اما در اینکه حاکم می تواند پس از اجبار به فروش کالای احتکار شده برای کالا قیمت تعیین نماید یا خیر نیز اختلاف نظر وجود دارد و برخی از فقها قائل به عدم چنین حقی برای حاکم هستند و برای اثبات ادعای خود به روایاتی از ائمه اطهار استناد میکنند. از جمله:

۱- در کتاب من لا یحضره الفقیه از ابو حمزه ثمالی نقل شده است که خدمت امام سجاد(ع) سخن از گرانی قیمت ها شد و آن حضرت فرمود: «وما علی من لا ین ما هو علیه واد و کیر علیه»؛ «گرانی بر عهده من نیست، اگر قیمت ها بالا می رود بر عهده خداست و اگر پایین می آید نیز بر عهده اوست.» (حرعاملی، وسایل الشیعه، ۱۴۲۶ ق، ج ۱۷، ص ۴۳۱)

فقها از این روایت عدم قیمت گذاری توسط حکام را استنباط میکنند اگرچه روایت از نظر سندی خالی از خدشه نیست.

۲- از امام صادق(ع) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «ان الله عز و جل وکل بالستر ملکاً، الن بلو من الا وان یرخص من کل»؛ «خداوند فرشته ای را مامور امر قیمت ها کرده است، بنابر این قیمت به علت کمبود، بالا نمی رود و به علت زیادی پایین نمی آید.» (حرعاملی، وسایل الشیعه، ۱۴۲۶ ق، ج ۱۷، ص ۴۳۱)

۳- از امام صادق(ع) نقل شده است که میفرماید: «ان الله وکل بالاسعار ملکاً یدبرها»؛ «خداوند فرشته ای را بر قیمت ها قرار داد تا آنها را تدبیر کند.» (حرعاملی، وسایل الشیعه، ۱۴۲۶ ق، ج ۱۷، ص ۴۳۱)

۴- در روایت دیگر آمده است که شخصی نزد نبی مکرم اسلام آمد و عرض کرد: ای کاش قیمت اجناس را برای ما معین می کردید؛ زیرا قیمت ها بالا و پایین می رود. و تغییر می کند پیامبر (ص) فرمود: «مَا كُنْتُ بِالْقَى اللّٰهَ بِيَدَعَهُ لَمْ يُحَدِّثْ إِلَيَّ فِيهَا شَيْئًا قَدَعُوا عِبَادَ اللّٰهِ يَأْكُلُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ وَإِذَا اسْتَنْصَحْتُمْ فَأَنْصَحُوا»؛ «من پایه گذار بدعتی از جانب خدا که در آن به من وحی نشده است نمی شوم بندگان خدا را رها کنید تا از طعام یکدیگر بخورند و هر گاه از شما طلب نصیحت کردند نصیحت کنید.» (حرعاملی، وسایل الشیعه، ۱۴۲۶ ق، ج ۱۷، ص ۴۳۱)

این روایات دلالت بر آن دارند که تعیین قیمت وظیفه حاکم نیست و نتها میتواند محتکر را به فروش کالا موظف نماید و وظیفه تعیین قیمت را ندارد مگر در مورد: اول آنکه شخص محتکر قیمت کالای خود را به حدی زیاد اعلام نماید که مردم قادر به خرید کالا نباشند و دوم آنکه با قیمت اعلام شده از سوی محتکر مورد اجحاف قرار گیرد که در این دو صورت حاکم موظف به قیمت گذاری است (آذری قمی، گرانفروشی و احتکار، ۱۳۷۳ ش، ج ۱، ص ۲۵۸)

۴) گستره احتکار

موضوع مهم دیگر در مسئله احتکار که محل بحث و گفتگو فقهای مختلف است آن است که آیا احتکار تنها شامل طعام میشود یا اینکه غیر طعام را نیز شامل میشود؟ اکثر فقها با استناد به کلام امیر المومنین که میفرماید: «فَامْنَعُ مِنَ الْاِحْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنَعَ مِنْهُ، وَلَيَكُنَّ الْبَيْعُ يَمَا سَمَحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَأَسْمَارٍ [واسعاً] إِلَّا تُجْحِفُ [لا يجحف] بالفريقين مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَائِمِ، فَمَنْ قَارَفَ حَكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَكُلْ [به] وَعَاقِبْ [عاقبه] فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

این روایت امیر المومنین (ع) را مطلق دانسته در نتیجه احتکار را شامل طعام و غیر طعام

میدانند.

البته برخی از فقها معتقدند که احتکار تنها شامل مواد غذایی و طعام میشود این گروه برای ادعای خود دو دلیل را اقامه کرده اند .

اول: آنکه هنگامی که لفظ احتکار به کار می رود احتکار طعام به ذهن متبادر میشود
دوم: آنکه روایاتی وجود دارد که در آن ، لفظ احتکار طعام به کار رفته است که چند روایت ذکر شده است :

۱- امام صادق علیه السلام میفرماید : «إِنَّمَا الْحُكْرَةُ أَنْ تَشْتَرِيَ طَعَاماً وَلَيْسَ فِي الْمِصْرِ غَيْرُهُ فَتَحْكِرَهُ فَإِنْ كَانَ فِي الْمِصْرِ طَعَامٌ أَوْ مَتَاعٌ غَيْرُهُ فَلَا بَأْسَ أَنْ تَلْتَمِسَ بِسِلْعَتِكَ الْفُضْلَ»؛ «احتکار این است که طعامی بخری که در شهر غیر از آن نیست و آن را برای بالا رفتن قیمت احتکار کنی پس اگر در شهر طعام و متاعی غیر از آن باشد عیبی ندارد که به دنبال بالا رفتن قیمت کالای خود باشی» (صدوق ، من لا یحضره فقیه ، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۲۶۶)

در این روایت از واژه طعام برای احتکار استفاده شده است .

۲- در روایت دیگر آمده است که از امام صادق درباره شخصی پرسیده میشود که کالاها را خریداری میکند و آنها را تا زمان افزایش قیمت به فروش نمیرساند محتکر محسوب میشود یا خیر؟

امام صادق در پاسخ می فرماید : «إِنْ كَانَ الطَّعَامُ كَثِيراً يَسَعُ النَّاسَ فَلَا بَأْسَ بِهِ وَإِنْ كَانَ الطَّعَامُ قَلِيلاً لَا يَسَعُ النَّاسَ فَإِنَّهُ يُكْرَهُ أَنْ يَحْتَكِرَ الطَّعَامَ وَيَتْرَكَ النَّاسَ لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ»؛ «اگر طعام بسیار است و به همه مردم میرسد عیبی ندارد، ولی اگر کم است و به همه مردم نمی رسد در این صورت شایسته نیست که طعام را احتکار کند و مردم را بدون طعام گذارد» (کلینی ، اصول کافی ، ۱۳۶۷ ش، ج ۵، ص ۱۶۵)

در این روایت نیز از واژه طعام برای احتکار استفاده شده است لذا احتکار شامل طعام

می گردد

۳- در روایت دیگر مصادیق احتکار مشخص شده است و امام صادق (ع) می‌فرمایند: «لَيْسَ الْحُكْرَةُ إِلَّا فِي الْحِنْطَةِ وَالشَّمِيرِ وَالتَّمْرِ وَالزَّبِيبِ وَالسَّمْنِ»؛ «احتکار نیست مگر در گندم، جو، خرما، کشمش و روغن». فقها با استناد به روایات فوق احتکار را در طعام میدانند. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۲۶ ق، ج ۱۷، ص ۴۲۶)

پس از آنکه با استناد به دلایل فوق مشخص شد که احتکار تنها شامل طعام است حال مناقشه در این است که شامل چه طعامی می‌شود؟ چهار نظر در این باره وجود دارد:

نظر نخست: گروهی از فقها از جمله شیخ طوسی معتقدند که موارد احتکار شامل گندم، جو، خرما، کشمش و روغن است و غیر از این اقلام را شامل نمیشود این گروه برای ادعای خود به چندین روایت استناد می‌کنند:

۱) امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَيْسَ الْحُكْرَةُ إِلَّا فِي الْحِنْطَةِ وَالشَعِيرِ وَالتَّمْرِ وَ الزَّبِيبِ وَ السَّمْنِ»؛ «احتکار تنها شامل گندم، جو، خرما، کشمش و روغن است» (عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۲۶ ق، ج ۱۷، ص ۴۲۶)

۲) در روایت دیگر آمده است: «ان علیا کان ینهی عن الحکره فی الأمصار فقال لیس الحکره إلا فی الحنطه» (عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۲۶ ق، ج ۱۷، ص ۴۲۶)

نظر دوم: گروهی دیگر از فقها معتقدند که حبس و ذخیره شش طعام از جمله گندم، جو، خرما، کشمش و روغن و زیتون احتکار محسوب می‌شود که زیتون وجه تمایز و اختلاف با نظریه اول است. شیخ صدوق در المنع می‌فرماید: احتکار در شش مورد گندم، جو، زیتون، خرما، کشمش و روغن محقق می‌شود. (صدوق، المقنعه، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۳۷۲)

نظر سوم: برخی دیگر از فقها از جمله شهدی اول و ثانی معتقدند که احتکار شامل هفت طعام می‌باشد و غیر از موارد پنج گانه (گندم، جو، خرما، کشمش و روغن و زیتون) دو طعام

نمک و زیتون را نیز جز احتکار می داند. البته شمردن نمک به عنوان یکی از موارد احتکار مستند روایی ندارد و شاید تنها وجهی که برای چرایی بتوان گفت تعلیل روایت حلبی از امام صادق است که ایشان زمانی حکم به حرمت احتکار داده اند که آن طعامی که حبس شده در میان مردم کم باشد و به آن نیاز داشته باشند. در نتیجه نمک از باب شدت نیاز مردم به آن و به عسر و حرج افتادن ایشان و در صورت کمبود آن جزء موارد احتکار شمرده شده است البته میتوان اشکال کرد که به استناد این تعلیل پس همه مواد غذایی که حبس آن موجب عسر و حرج مردم، شود، از مصادیق احتکار شمرده می شود.

نظر چهارم: گروهی دیگر از فقها از جمله آیت الله بهجت و از برخی دیگر از فقهای معاصر حبس و نگهداری تمامی مواد غذایی را شامل احتکار می داند و مقصود مواد غذایی است که اکثر مردم معمولاً از آن تغذیه می کنند و قوت غالب هر مکان با مکانی دیگر ممکن است متفاوت باشد.

در پایان میتوان نتیجه گرفت که احتکار با توجه به روایت امام علی علیه السلام که مطلق است شامل تمامی اقلام و کالاهای مورد نیاز مردم میگردد و روایات وارد شده که مقید هستند و تنها طعام را جز احتکار میدانند مربوط به زمان گذشته بود که اقلام ذکر شده قوت قالب مردم به شمار می آمدند و احتکار نیز تنها در موارد فوق صورت می گرفت اما امروزه که نیاز مردم متنوع شده و گسترش یافته احتکار شامل تمامی اقلام و کالای مصرفی مردم می شود. نظر فقهای معاصر نیز آن است که حتکار را محدود به مواد غذایی نیست زیرا ملاک و معیار تشریح احکام را نجات مردم از تنگناهای اقتصادی به هنگام عسر و حرج میدانند در نتیجه مصادیق جدیدی با گذشت زمان و تغییر مکان بر آنچه در روایات ذکر شده اضافه می گردد.

آیت الله خوئی صافی گلپایگانی و وحید خراسانی و دیگر فقها این قول را پذیرفته اند لذا تعیین و تشخیص اینکه چه کالایی احتکارش جایز نیست با توجه به احتیاج مردم و مسائل اقتصادی و اجتماعی و عادات هر کشور بر عهده حاکم عادل است.

شرایط احتکار:

احتکار دارای شرایط و ملاک‌هایی است یعنی زمان میتوان حبس و نگهداری اموال را احتکار نامید که شرایط زیر محقق شود:

الف) نیاز مردم به کالای احتکار شده.

ب) اینکه فروشنده و عرضه کننده دیگری نباشد که مردم بتوانند از او کالای خود را تهیه کنند که در اصطلاح فقهی به آن شرط عدم باذل طعام گفته می‌شود. (خمینی، تحریر الوسیله، ۱۳۷۳ ش، ج ۳، ص ۴۱۵)

دلیل فقهی برای شرط بودن آن دو، روایت صحیح حلبی از [امام صادق](#) علیه السلام می‌باشد: «قال: سألت عن الرجل يحتكر الطعام و يتربص به هل يصح ذلك؟ فقال: ان كان الطعام كثيراً يسع الناس فلا بأس به و ان كان الطعام قليلاً لا يسع الناس فانه يكره ان يحتكر الطعام و يترك الناس ليس لهم طعام» (حر عاملی، وسایل الشیعه، ۱۴۲۶ ق، ج ۱۷، ص ۴۲۴)

حلبی می‌گوید از [امام صادق](#) علیه السلام پرسیدم: آیا مردی که مواد غذایی را احتکار می‌کند این کار درست است؟ [ایشان پاسخ دادند:] اگر مواد غذایی فراوان باشد اشکالی ندارد و اگر مواد غذایی کم باشد به طوری که مردم در سختی باشند این کار کراهت دارد و حال آنکه مردم مواد غذایی ندارند.

از روایت بالا دو شرط مذکور استفاده می‌شود که در صورت نیاز مردم و نبودن کسی دیگر که آنها بتوانند آذوقه مورد نیاز خود را از او تهیه کنند، احتکار ممنوع شده است.

ج) شرط زمانی و مکانی

چون در برخی روایات، مدت احتکار را برای زمانی که کالای فراوان است چهل روز و برای زمانی که سختی و قحطی است سه روز قرار داده اند، برخی گمان کرده اند کمتر از آن محسوب نمی شود.

فقها بسیاری از جمله شیخ مفید، علامه حلی و محقق حلی این نظر را نپذیرفته اند و معتقدند که احتکار حد و اندازه ای ندارد و در هر زمان که نیاز مردم به طعام [قوت] وجود داشته باشد، احتکار نیز وجود دارد چه قبل از چهل روز (در هنگامی که کالا فراوان باشد) و چه قبل از سه روز (زمان کمبود کالا)

امام خمینی نیز این نظریه را قبول نکرده اند و در این مورد فرموده اند: این حدیث با بعضی از احادیث دیگر منافات دارد و علاوه بر آن بسیار بعید است که شارع مقدس اسلام رضایت بدهد که مردم سه روز در سختی و بلا بسر ببرند (خمینی، تحریر الوسیله، ۱۳۷۳ ش، ج ۳، ص ۴۱۵)

د) مالک شدن کالا از راه خریدن آن

یکی دیگر از شرایطی که برای تحقق احتکار بیان شده (روایت حلی از امام صادق علیه السلام) این است که: شخص کالا را خریده و انبار کرده باشد. بنابراین اگر کسی از راه کشاورزی یا هدیه گرفتن از دیگران و یا راههای دیگر - غیر از خریدن - مالک آذوقه شود و آن را انبار کند به آن احتکار نمی گویند. بعضی از فقیهان شیعه همچون محقق کرکی و علامه حلی نیز این نظریه را پذیرفته اند.

ولی بسیاری از فقها و مراجع تقلید از جمله شیخ انصاری امام خمینی، محقق خوئی، آیت الله تبریزی این نظر را رد کرده اند. زیرا بیشتر روایات در باب احتکار به صورت مطلق آمده و آن را مقید به هیچ قید و مشروط به هیچ شرطی - مثل مالک شدن از راه خرید - نکرده اند.

از آن گذشته واضح است که هدف قانونگذار از ممنوعیت احتکار در شریعت صرفاً به خاطر آن است که سختی و نیاز مردم را از نظر [کمبود] مواد غذایی برطرف کند و از این روی فرقی بین مالک شدن چه از راه خرید و چه از راههای دیگر نیست

احتکار در حقوق مجازات اسلامی

تاریخچه احتکار را می‌توان پس از پیروزی انقلاب اسلامی دانست که در تاریخ ۱۱/۲/۱۳۶۲ پس از تصویب قانون حدود صلاحیت دادسرا و دادگاه‌های انقلاب، رسیدگی به احتکار ارزاق و رسیدگی به جرم گرانفروشی در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب اسلامی قرار گرفت. اما پس از شروع جنگ تحمیلی و رواج احتکار کالاها و کمبود مواد مورد نیاز مردم قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان را به تصویب رسید.

نظر به اینکه مدت اجرای مقررات اخیر الذکر از تاریخ لازم‌الاجراء بودن پنج سال تعیین گردیده بود لذا در تاریخ ۱۹/۹/۶۹ قانون «مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور» تصویب گردید که در بند ۱ ماده ۱ آن اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گران‌فروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندی‌های عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندی‌های مزبور و پیش‌خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آنها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود آنها، جرم محسوب شده و مرتکب به مجازات‌های مقرر در این قانون محکوم می‌شود.

عمل ارتکاب فعل مثبت مادی محسوب می‌شود که با جمع‌آوری کالا مورد نیاز مردم و نگهداری آن به منظور افزایش قیمت و ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آنها تجلی می‌یابد. بنابراین احتکار هنگامی جرم محسوب می‌شود که سبب آشفتنگی در نظام جامعه و ایجاد بازار سیاه شود و تضییق و دشواری عامه مردم را در پی داشته باشد، اما هنگامی که کالا در بازار به فراوانی یافت شود و عرضه بی‌رویه کالا سبب ائتلاف مال‌گردد جمع‌آوری و ذخیره کالا نه تنها جرم تلقی نمی‌شود بلکه با موازین عقلانی منطبق است.

لذا در حقوق جزا احتکار از جمله جرائم عمدی است. در قانون مجازات اسلامی برای تحقق جرم عمدی احتکار باید سوء نیت عام محقق شود. مقصود از سوء نیت عام ارتکاب عمل جمع آوری طعام و کالای مورد نیاز مردم برای سود شخصی و به منظور افزایش قیمت است. البته در قانون مجازات اسلامی علاوه بر سوء نیت عام باید سوء نیت خاص نیز که انحصار کالا توسط فرد مجرم و کمبود در عرضه و اختلال در امر مایحتاج عمومی جامعه است محقق گردد.

اگر اختلال در توزیع مواد و کالای مورد نیاز عامه مردم با احتکار ارزاق عمومی با هدف آسیب به حکومت و یا باهدف مقابله با آن یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور باشد شخص محکوم مفسد فی الارض و محارب محسوب می شود و مجازات او اعدام است. اما اگر چنین قصدی نداشته باشد محکوم به حبس از پنج تا بیست سال خواهد شد و در هر دو صورت یعنی داشتن یا نداشتن قصد اموال و کالای احتکار شده توسط دولت ضبط می گردد و جزای مالی برای شخص محکوم در نظر گرفته می شود که اموال ضبط شده نوعی جزای مالی به شمار می آیند.

علاوه بر آنچه که گفته شد دادگاه می تواند علاوه بر حبس و جزای مالی مجرم را به بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق در ملا عام و در نزد عموم مردم محکوم نماید.

در مواردی که اختلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق احتکار عمده یا کلان یا فراوان ارزاق یا نیازمندی های عمومی نباشد مرتکب به دو تا پنج سال حبس و ضبط کلیه اموال که از طریق غیرقانونی به دست آمده است به عنوان نقدی محکوم خواهد شد. اگر این اقدامات از طرف شخص یا اشخاص حقوقی اعم از خصوصی یا دولتی یا نهادها یا تعاونی ها و غیر اینها انجام گیرد، فرد یا افرادی که در انجام این اقدامات عالماً و عامداً مباشرت یا شرکت یا به گونه ای دخالت داشته باشند، بر حسب اینکه اقدام آنها با قسمت اول یا دوم ماده ۲

قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور منطبق باشد به مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهند شد.

در این موارد اگر مدیر یا مدیران و بازرس یا بازرسان و به طور کلی مسئول یا مسئولین ذیربط که به گونه‌ای از انجام تمام یا قسمتی از اقدامات مزبور مطلع شوند و در زمینه جلوگیری از آن یا آگاه ساختن افراد یا مقاماتی که قادر به جلوگیری هستند اقدام فوری و مؤثری انجام ندهند و از انجام تکلیف مقرر خودداری کرده یا با سکوت خود به تحقق جرم کمک کنند معاون جرم محسوب شده و حسب مورد برابر مقررات ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی به حداقل مجازات مقرر در هر مورد محکوم خواهند شد.

نتیجه‌گیری

احتکار و ذخیره کالاها به منظور افزایش قیمت یکی از موضوعای است که در دهه‌های اخیر افزایش چشمگیر داشته است و برخی از افراد نسبت به حکم عمل خود آگاهی ندارند و با جهل، مرتکب چنین عملی شده و اقتصاد کشور را با معضلاتی روبه‌رو می‌سازند لذا در این پژوهش به بررسی احتکار و احکام آن در فقه امامیه پرداخته شده است و نتایجی حاصل شده که به شرح زیر است:

۱- از منظر فقهای امامیه احتکار به معنای نگهداری و ذخیره اقلام و کالاها به منظور افزایش قیمت است و هنگامی عنوان احتکار بر آن صدق می‌کند که ذخیره اقلام در زمان نیاز مردم باشد و کالا در بازار موجود نباشد که در این صورت احتکار عملی حرام است که روایات وارده از جمله روایت امام علیو روایت وارده از امام صادق گویای حرمت چنین عملی است. البته اگر مردم نیاز چندانی به کالا نداشته باشد در این صورت عمل احتکار محسوب نمی‌شود اما در صورت نیز احتکار حرام است و شخصی که اقدام به احتکار نماید محتر نامیده می‌شود.

۲- برای اثبات حرمت احتکار فقهای امامیه به دو دلیل آیات و روایات استناد کرده اند از جمله آیات مورد استناد فقهای امامیه می توان به آیه ۳۹ سوره نسا و آیات اول و دوم سوره تکاثر و همزه استناد کرد .

۳- اگر محتکر کالایی را که مورد نیاز مردم باشد احتکار کند و مردم در عسر و حرج باشند حاکم اسلامی میتواند حکم به فروش کالای مورد احتکار را صادر کند که در این باره فقهای امامیه برای اثبات ادعای خود به چندین روایت استناد کرده اند اما در باره اینکه آیا میتواند کالا را قیمت گذاری کند یا خیر اختلاف نظر وجود دارد و تنها در صورتی که قیمت بالایی از سوی محتکر پیشنهاد شود و باعث احجاف شود میتوان کالا را قیمت گذاری نمود.

۴- بحث دیگری که در مقاله مطرح شد مسئله اقلام مورد احتکار است که چه اقلامی شامل احتکار میشوند که آیا تنها شامل طعام است یا خیر؟ که برخی از فقها با استناد به کلام امام علی احتکار را شامل طعام و غیر طعام میدانند و برخی دیگر تنها شامل طعام میدانند .

۵- مسئله دیگر اقلام مورد احتکار است که چندین نظر وجود دارد گروه اول احتکار را شامل گندم، جو، خرما، کشمش و روغن میدانند و برخی دیگر زیتون و نمک را جز اقلام مورد احتکار میدانند. گروه دیگر احتکار را شامل تمامی مواد غذایی مورد نیاز مردم میدانند.

۶- در قانون مجازات اسلامی نگهداری اقلام مورد نیاز مردم جرم محسوب میشود و اگر قصد آسیب به حکومت اسلامی را داشته باشند مفسد فی الارض خوانده میشوند.

فهرست منابع

*قرآن کریم

۱. آذری قمی، احمد، «گرانفروشی و احتکار»، ج ۱، چ ۱، دارالعلم، قم، ۱۳۷۳

۲. آمدی، عبد الواحد، «غرر الحکم»، ج ۱، چ ۲، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۳.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، «لسان العرب»، ج ۴، چ ۳، دار الاحیاء التراث، بیروت، ۱۴۱۴.
۴. انصاری، مرتضی، «المکاسب»، ج ۴، چ ۱، مجمع فکر اسلامی، قم، ۱۴۲۰.
۵. بروجردی، سید حسین، «جامع احادیث شیعه»، ج ۲۳، چ ۳۸، المهر، قم، ۱۴۲۲.
۶. پاینده، ابو القاسم، «نهج الفصاحه»، ج ۱، چ ۳، انصاریان، قم، ۱۳۸۳.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، «الصحاح»، ج ۳، چ ۴، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷.
۸. جزایری، سید محمد جعفر، «منتهی الدریه فی توضیح الکفایه»، ج ۴، چ ۴، دار الکتاب، قم، ۱۳۷۰.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، «وسائل الشیعه»، ج ۱۷، چ ۱، موسسه آل بیت علیهم السلام، قم، ۱۴۲۶.
۱۰. خمینی، روح الله، «تحریر الوسیله»، ج ۳، چ ۱۰، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۳.
۱۱. سجادی، سید جعفر، «فرهنگ معارف اسلامی»، ج ۱، چ ۲، شرکت مولفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۳.
۱۲. صالح عبدالله، محمد، «احتکار یا خیانت به جامعه»، ج ۱، چ ۱، ترجمه فهیم کرمانی، صدر، تهران، ۱۳۵۴.
۱۳. صدر، کاظم، «احتکار از دیدگاه فقه و اقتصاد»، ج ۱، چ ۲، انتشارات ۲۲ بهمن، تهران، ۱۳۶۲.

۱۴. صدوق، محمد بن علی، ج ۳، چ ۲۰، «من لایحضره الفقیه»، جامعه المدرسین، قم، ۱۴۰۴.
۱۵. فقهی، محمد رضا، «احتکار با رویکردی به آرای اما خمینی (ره)»، ج ۱، چ ۸، موسسه چاپ و نشر عروج، تهران، ۱۳۹۰.
۱۶. فیروز آبادی، مجد الدین، «القاموس المحیط»، ج ۴، چ ۱۲، در العلم، بیروت، ۱۴۰۸.
۱۷. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، «محجّه البیضاء»، ج ۳، چ ۴، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۷.
۱۸. قرائتی، «محسن، تفسیر نور»، ج ۱۰، چ ۲، مرکز درس های از قران، تهران، ۱۳۸۷.
۱۹. قرشی، سید علی اکبر، «تفسیر احسن الحدیث»، ج ۱۲، چ ۱، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۶۴.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، «اصول کافی»، ج ۵، چ ۳، دار الکتاب، تهران، ۱۳۶۷.
۲۱. عاملی (شهید اول)، محمد بن جمال الدین مکی، «لمعه الدمشقیه»، ج ۲، چ ۱۳، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۱.
۲۲. محقق داماد، سید مصطفی، «تحلیل و بررسی احتکار از نظر فقه اسلام»، ج ۱، چ ۲، اندیشه نو در علوم انسانی، تهران، ۱۳۶۲.
۲۳. المصطفوی حسن، «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، ج ۱، چ ۳، فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۱.
۲۴. نجفی، محمد حسن، «جواهر الکلام»، ج ۲۲، چ ۶، دار الکتب، قم، ۱۳۹۲.